

آثار زمان و مکان در تحول حقوق مسئولیت مدنی در نظام حقوق ایران و فرانسه

محمدباقر پارساپور*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۱۰

مهدی اسماعیلی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۱

چکیده

قواعد مسئولیت مدنی با توجه به ارتباط تنگاتنگ و تأثیرپذیری از عامل محیط و عوامل دیگری نظیر پیشرفت‌های علمی و فناوری، آگاهی‌های تخصصی، تحول نیازهای انسانی، تغییر ساختارهای اقتصادی جامعه اسلامی و بین‌المللی، تغییر عرف و عادات مردم، ضرورت‌ها و نیازهای به وجود آمده در جهان، ناگزیر از انطباق با شرایط زمانی و مکانی است.

در این مقاله با مطالعه تطبیقی در فقه و نظام حقوقی فرانسه به تبیین مبانی عقلی و نقلی تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر قواعد عرفی از جمله مسئولیت مدنی، پرداخته و این نظریه که زمان و مکان موجب تغییر نیازهای مردم و اجتماع، توسعه مصادیق قابل انطباق بر قواعد مسئولیت مدنی یا حتی تغییر رویکرد حقوق مسئولیت مدنی به سمت عدالت توزیعی در جبران خسارت‌ها، تغییر قواعد ایجاد و اثباتی مسئولیت مدنی و ایجاد اقسام جدید مسئولیت مدنی مانند مسئولیت مدنی اجتماعی می‌گردد، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

تغییر موضوع، توزیع خسارت، مصادیق، فقه نظامات، نقص فناوری، دعاوی مشابه، ضمان اجتماعی

مقدمه

قواعد مربوط به مسئولیت مدنی به دلیل هدف آن یعنی برقراری عدالت و جبران ضرر وارده به زیان دیده، ارتباط تنگاتنگی با زمان و مکان دارند. از این رو هماهنگی آن‌ها با اقتضائات زمانی و مکانی امری اجتناب‌ناپذیر است. ولی تطبیق قواعد مسئولیت مدنی با تحولات جامعه نباید به گونه‌ای باشد که با مبانی حقوق مسئولیت مدنی در نگاه فقهی- حقوقی مغایرت داشته و به معنای تغییر اصول مسلم شریعت تفسیر گردد.

از اصول معتبر اسلامی که زیربنای بسیاری از تغییرات احکام را تشکیل می‌دهد، اصل تبعیت احکام اسلامی از مصالح و مفاسد واقعی است. بر اساس آن در جعل هر حکمی مصلحت و یا مفسده‌ای نهفته است (بحرالعلوم، ۱۳۷۹، ش ۲۳). از این رو است که در شریعت اسلامی اگر چیزی واجب یا حرام اعلام شده، به دلیل وجود مصلحت یا مفسده موجود در آن است. پس این بیان را که همه احکام الهی چیزی جز تعبّد صرف را دنبال نمی‌نمایند می‌توان با این روایت از امام رضا(ع) پاسخ داد که فرمودند هر کسی توهم کند خداوند چیزی را به سبب مصلحت و مفسده واقعی حلال یا حرام نگردانیده بلکه فقط خواسته، مردم را به تعبّد وادارد: «قد ضلّ من قال ذلك ضلالاً بعيداً وخسر خسراً مبيناً» (مسند الإمام الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۵۰۹).

زمان و مکان به گونه‌های مختلفی از طریق تغییر موضوع یا متعلقات و اوصاف موضوع یا در ایجاد یک ملاک و یا در رفع آن و همین‌طور در تضعیف یا تشدید ملاک یک فعل قطعاً مؤثر و موجب تغییر احکام می‌گردد (فاضل، ۱۳۹۱، ص ۷۳). با این توضیح که در خصوص ملاکات احکام مسئولیت مدنی باید توجه نمود که در خصوص این احکام باید قائل به تفکیک باشیم:

الف، برخی از این احکام به صورت خاص مورد نظر قانون‌گذار بوده و از این حیث متعلق حکم قرار گرفته‌اند.

ب، برخی دیگر مستقلاً مورد نظر شارع نبوده و به واسطه شرایط زمانی و مکانی این گونه مورد حکم قرار گرفته‌اند.

در مقام توضیح این دو دسته، مثالی می‌آوریم:

برای مثال، جبران ضرر توسط عامل زیان به شرایط زمانی و مکانی ارتباط ندارد. اما مفهوم ضرر، شرایط، نحوه و ضوابط تقسیم و توزیع ضرر میان عاملین ضرر و دلایل و اهداف حکم به جبران خسارت بی‌تردید متأثر از شرایط زمانی و مکانی است؛ چراکه قواعد مربوط به مسئولیت مدنی به‌عنوان بخشی از احکام معاملات مستقلاً مورد تأسیس قانون‌گذار نبوده مگر در مواردی که با وجود امارات قطعی و یا تصریحات قانون‌گذار خلاف آن ثابت گردد.

در حقوق فرانسه نیز با درک این نیاز، درخواست این تطبیق از سوی ژاک شیراک در جشن ۲۰۰ سالگی قانون مدنی فرانسه در سال ۲۰۰۴ مطرح و متعاقباً موضوع توسط پیر کاتالا از اساتید بارز حقوق فرانسه دنبال و در سال ۲۰۰۵ به وزیر دادگستری تسلیم گردید و به‌عنوان قانون پیشنهادی در جولای ۲۰۱۰ توسط سناتور لوران بتیل در سنا مطرح و در حال بررسی است (Catala, 2005, p.25).

با این مقدمه؛ ضمن تبیین مبانی تأثیرگذاری مقتضیات زمان و مکان بر قواعد مسئولیت مدنی (ضمن قهری) به‌عنوان مصداقی از موضوعات عرفیه، نحوه تأثیرگذاری آن تبیین می‌گردد.

۱. مبانی تأثیرگذاری مقتضیات زمان و مکان بر موضوعات عرفی

۱-۱. مبانی عقلی

تطبیق موضوعات عرفی با تحولات جامعه اصلی است که عدم رعایت آن باعث افول هر نظام حقوقی یا فقهی می‌گردد. یکی از فقهای معاصر تأثیر این عنصر را در فقه این‌گونه بیان می‌دارد:

«عنصری که اگر به حقیقت آن توجه و عنایت خاصی مبذول نگردهد، بانگ رکود فقه و بن بست اجتهاد سر داده خواهد شد و فقه در زاویه بسیار محدود از جهان و جامعه بشریت اسیر خواهد گردید» (فاضل، ۱۳۹۰، ص ۵۹).

از نگاه دینی دو مبنای مهم عقلی، یعنی اصل انطباق قواعد شریعت با عقل و تأثیر شرایط زمانی و مکانی بر فهم و درک موضوع برای این تطبیق‌پذیری ذکر شده است

(محقق داماد، ۱۳۷۴، ص ۲۹۴). در تمامی نظام‌های حقوقی از جمله فرانسه نیز اصل تطبیق قوانین بر تحولات جامعه، مبنای اساسی برای تغییر مقررات می‌باشد؛ کما اینکه نگاه به تحولات تاریخی حقوق مسئولیت مدنی در فرانسه از مفهوم تقصیر تا ایجاد ضمان اجتماعی به‌عنوان قسم جدیدی از مسئولیت مدنی و به‌خصوص در مورد شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی مبین همین بنای عقلی است (Laville, 2006, pp.34-36). علاوه بر این امکان کشف ملاک احکام و تعمیم آن در نگاه فقهی نیز یکی دیگر از مبانی عقلی تطبیق مقررات مسئولیت مدنی با تحولات جامعه می‌باشد (قماش، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰). بر همین مبناست اگر خود موضوع در گذر زمان دچار تحول گردد یا موضوع جدیدی ایجاد گردد، عقلاً تأیید می‌نمایند که احکام مرتبط نیز هماهنگ با تغییر یا ایجاد موضوع، تغییر نمایند و این حکم دوم نه واقعی ثانوی و نه ظاهری است بلکه همان حکم واقعی اولی می‌باشد که در این شرایط زمانی و مکانی استنباط شده است (سبحانی، ۱۴۱۸، ص ۹۲).

۲-۱. مبانی نقلی

یک از مبانی نقلی مهم در تطبیق‌پذیری قوانین با تحولات اجتماعی روایتی است که یکی از اساتید حقوق نیز بیان می‌دارند:

«ما احل الله فهو حلال و ما حرم فهو حرام و ما سکت عنه فهو عفو فاقبلوا

من الله عافیه فان الله لم یکن ینسیء شیئاً» (السیوطی، ۱۴۰۳، ص ۶۶)؛

این روایت که به‌عنوان یک قاعده کلی در خصوص منطقه الفراق یا میدان آزادی قانون‌گذاری است در کنار ۲۰ روایت دیگر که به‌صورت مصداقی در کلام فقها از ائمه اطهار شاهد مثال برای تأثیر زمانی و مکانی ذکر شده (گرجی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۰)، موید این است که موضوعات عرفی تأثیرپذیری کاملی از تحولات اجتماعی دارند و لاجرم باید با آن‌ها همسو حرکت نمایند.

۲. تأثیرگذاری مقتضیات زمان و مکان بر ارکان ثابت و متغیر مسئولیت مدنی (قواعد موجد حق مطالبه خسارت)

۱-۲. مفهوم‌شناسی ارکان ثابت و متغیر مسئولیت مدنی^۱

ارکان ثابت مسئولیت مدنی عبارت‌اند از: ضرر، فعل زیان‌بار، رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ضرر وارده (باریکلو، ۱۳۸۵، ص ۶۰). اما علاوه بر این‌ها در ادبیات حقوقی از رکن متغیری نیز به‌عنوان تقصیر یاد می‌شود. البته برخی تقصیر را رکن مسئولیت مدنی قلمداد ننموده و آن را به‌عنوان مبنای مسئولیت می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۳۳۴). هرچند که در مبنا قرار گرفتن آن نیز تردیدهای وجود دارد و از این‌رو است که طرفداران این رویکرد نیز معتقدند هر گاه مصالح جامعه اقتضا نماید می‌توان مسئولیت بدون تقصیر وضع نمود. ولی به نظر می‌رسد مبنای مطالبه برای یک دعوی مسئولیت مدنی چه در ضمان قراردادی و چه قهری ضرر وارده می‌باشد. لذا از این نگاه در فرضی که قائل به اثبات تقصیر نیز باشیم باید به آن به‌عنوان رکن متغیر نگریسته شود که در برخی مصادیق لازم و در برخی موارد غیر لازم می‌باشد.

۲-۲. تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر ارکان ثابت و متغیر مسئولیت مدنی

۱-۲-۲. ارکان ثابت

تبادر عرفی از ارکان ثابت در مسئولیت مدنی این‌گونه است که این‌ها باید همیشه و بدون تغییر در یک دعوی مسئولیت مدنی وجود داشته باشند؛ چراکه نبود آن‌ها به معنای تحمیل زیانی بر فردی است که در یک پروسه حقوقی مشخص دخالت آن در ورود خسارت به اثبات نرسیده است. اما بر خلاف این تبادر عرفی، مقتضیات زمانی و مکانی یا در یک کلام شرایط زندگی امروزی این ارکان را دستخوش تغییرات وسیعی نموده است.

۲-۱-۲-۱. ضرر

یکی از اساتید حقوق بیان می‌دارد: هدف از قواعد مسئولیت مدنی، جبران ضرر است، به بیان دیگر، باید ضرری به بار آید تا برای جبران آن، مسئولیت ایجاد شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۲، صص ۲۴۲-۲۴۳). پس، باید وجود ضرر را رکن اصلی مسئولیت مدنی شمرد.

بی‌تردید وجود ضرر نه تنها رکن اصلی مسئولیت مدنی است که مبنای حق مطالبه برای زیان‌دیده می‌باشد (بهرامی، ۱۳۸۱، ص ۲۱)؛ اما مفهوم ضرر در بستر تحولات زمانی و مکانی تعیین و تبیین می‌شود. ضرر یک مفهوم عرفی است که رابطه کاملاً محکمی با نیازها، شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی دارد. چه بسیار مصادیقی که در گذشته عرف از آن فهم ضرر نمی‌پنداشت و امروزه عرف در ضرر قلمداد نمودن آن‌ها اندک تردیدی ندارد. خسارات معنوی، عدم نفعی که موجبات آن کامل شده است، خسارات ناشی از تورم جامعه، خسارات ناشی از نقص فناوری و... مثال‌هایی از این سنخ تفاوت‌های فهم عرفی در بازه‌های زمانی متفاوت است.

در کنار این تغییر مفهوم ضرر در زندگی امروزی باید این را در نظر داشت که در برخی موارد اساساً علاوه بر ضرر وارده خساراتی به عامل زیان تحمیل می‌گردد که این‌ها را نمی‌توان به‌عنوان جبران ضرر در معنای مصطلح آن تفسیر نمود.

بر اساس نگاه‌های جدید «هدف مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان‌دیده و تسلی خاطر وی، مجازات خطاکار و بازداشتن فاعل و دیگران از ارتکاب مجدد فعل زیان‌بار و ایجاد صلح و ثبات و برقراری اخلاقی خاص در جامعه است» (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۰)؛ از این‌رو، در حقوق فرانسه نیز به خسارات صرفاً به‌عنوان جبران زیان وارده به زیان‌دیده نگاه نمی‌شود بلکه خسارات در حقوق این کشور کارکردهای دیگری را نیز به خود اختصاص داده است؛ برای نمونه، می‌توان به جنبه تنبیهی^۲ خسارات اشاره نمود (Moizan, 2013, en www.lepetitjuriste.fr). هدف این‌گونه خسارات جبران ضرر وارده نمی‌باشد بلکه هدف از وضع و تقنین آن‌ها پیشگیری، دادن نوعی پاداش یا التیام به افرادی که از ضرر وارده تحقیر یا تضعیف شده‌اند و همین‌طور جنبه عمومی

خسارات وارده به اجتماع را در بر می‌گیرد (09-13.303) Arrêt n° 1090 du 1 décembre 2010 (Cour de cassation Première chambre civile).

در نگاه نخست؛ خسارات تنبیهی با توجه به قواعد حاکم بر رژیم مسئولیت مدنی در حقوق ایران به‌سختی قابل پذیرش می‌باشد. اما با نگاه دقیق‌تر به‌درستی روشن می‌شود که در بسیاری از موارد حکم جبران خسارت نمی‌تواند ناظر به زیان وارده باشد؛ برای مثال، در خسارت معنوی از قبیل خسارت وارد به روح، جسم، اعتبار، احساسات، عواطف، اندیشه، هنر و آزادی‌های شخصی صدور حکم جبران خسارت به‌خصوص در مواردی که مسیر این جبران به‌صورت نقدی تعیین می‌شود بی‌شک نمی‌تواند ماهیتاً جبران ضرر وارده به زیان‌دیده تحلیل گردد.

فرض نمایید فردی که به خاطر توهین‌های مکرر شخصی در انظار عمومی طرح دعوی مسئولیت مدنی علیه عامل این اهانت‌ها می‌نماید صرفاً به دنبال جبران ضرر معنوی وارده به حیثیت و آبروی خود از طریق مطالبه‌مقداری پول نمی‌باشد و شاید این ایراد فقها که جبران این‌گونه ضررها با پول صحیح نمی‌باشد را در خصوص این نوع ضررهای معنوی، این‌گونه بتوانیم پاسخ دهیم که ماهیت این‌گونه جبران‌ها، خسارات تنبیهی است. به‌عبارت‌دیگر قانون‌گذار در وضع این قبیل خسارات به دنبال جبران ضرر وارده به زیان‌دیده نبوده بلکه سعی دارد اهداف دیگری از جمله پاداش به فردی که در معرض توهین قرار گرفته، تنبیه عامل اهانت و جلوگیری از انجام مکرر این فعل و همین‌طور جبران زیان‌های وارده به جامعه را دنبال نماید.

تدقیق در مبانی فقهی مسئولیت مدنی و نفی ورود ضرر به دیگران می‌تواند به‌نوعی در این بحث مورد استناد قرار گیرد؛ یکی از مهم‌ترین مبانی، قاعده‌لاضرر می‌باشد؛ توجه در روایت منقول از رسول گرامی اسلام در این مورد مفید می‌نماید؛ پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «انک رجل مضار و لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن» (العاملی، بی‌تا، ج ۲۶، ص ۱۴).

رسول اکرم(ص) بین ضرر و ضرار تفاوت قائل می‌شوند و طبیعی است حکم ایشان دال بر اینکه درخت را از ریشه بکنند و جلوی سمره بیندازند نمی‌تواند صرفاً بر

مبنای جبران ضرر وارده به سمره بن جندب تحلیل گردد؛ چراکه در این اقدام علاوه بر جبران ضرر وارده با رفع منبع ضرر، تنبیه ایشان نیز مورد حکم قرار گرفته است. خسارت‌های تنبیهی نه تنها در سیستم حقوقی کشورهای دیگر وجود دارد بلکه محاکم نیز پذیرفته‌اند تا علاوه بر جبران خسارات وارده، خسارات تنبیهی را نیز بر عامل زیان تحمیل نمایند. اما دو ایراد عمده‌ای که در حقوق فرانسه نیز به وضع این‌گونه خسارات وجود دارد، در حقوق ایران نیز قابل طرح است (Cuniberti, 2011, en):
:conflictoflaws.net

نخست، وظیفه حقوق خصوصی تنبیه زیان‌دیده و استیفای حقوق جامعه نمی‌باشد بلکه صرفاً جبران خسارات وارده به زیان‌دیده را دنبال می‌نماید. از این منظر جایگاه طرح این موضوعات حقوق جزا خواهد بود.

دوم، وضع این خسارات به‌خصوص با نگاه اعطای پاداش به زیان‌دیده این اصل مبنایی، بازگشت وضع زیان‌دیده به حالت سابق، که هدف و زیربنای تمام قواعد مسئولیت مدنی است را مخدوش می‌سازد؛ چراکه از این نگاه زیان‌دیده نه تنها خسارات وارده را می‌گیرد بلکه به‌نوعی سود نیز تحصیل می‌نماید و این در تضاد با مقررات و فلسفه مسئولیت مدنی می‌باشد (Wood, 2004, p.73).

در مقام پاسخ باید گفت:

اولاً، اشکالی ندارد که در مواردی حقوق خصوصی در مقام تقویت حقوق جزا مقرراتی را وضع نماید. کما اینکه برخی عناوین حقوق جزا از جمله دیات را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان مجازات تعبیر و تفسیر نمود؛ چراکه میزان آن بسته به خسارتی است که به مجنی علیه وارد شده است.

ثانیاً، همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد به‌خصوص در خسارت‌های معنوی امکان اندازه‌گیری دقیق خسارت وجود ندارد؛ برای مثال، صدمات روحی به یک فرد در اثر توهین آن سانی که از طریق پول جبران می‌شود دقیقاً معادل یکدیگر نبوده که اگر خسارتی مازاد بر آن در نظر گرفته شود اصل مبنایی مسئولیت مدنی مخدوش قلمداد گردد؛ به‌علاوه، در حقوق فرانسه نیز مطرح است که نه تنها قانون دادرسان را از الزام به پرداخت مازاد بر خسارت منع نمی‌نماید بلکه در برخی موارد محاکم در خصوص

خسارات وارده به شخصیت‌ها در مطبوعات مبالغی را مورد حکم قرار داده‌اند که روشن می‌نماید خسارات تنبیهی را پذیرفته‌اند (Moizan, 2011, p.48).

ثالثاً، امروزه حقوق مسئولیت مدنی صرفاً به دنبال جبران ضرر وارده به فرد پس از ورود زیان نمی‌باشد بلکه پیشگیری از ورود زیان و بازتنظیم مقررات حقوق مسئولیت مدنی برای بازدارندگی از ورود زیان در کنار جبران خسارت دنبال می‌گردد.

۲-۱-۲-۲. فعل زیان‌بار

فعل یا ترک فعل باید در نظر اجتماع ناهنجار باشد و نیز در قانون برای آن مجوزی قرار داده نشده باشد. اقتضائات زمانی و مکانی بر این فهم از فعل زیان‌بار نیز تأثیر داشته است و آن را دگرگون نموده است. برای تبیین بهتر این تأثیر خسارات ناشی از نقص فناوریانه به صورت موردی مطالعه می‌نماییم.

نقص یا عیب می‌تواند از زاویه‌های مختلفی بررسی گردد. که عموماً عیب فیزیکی و ظاهری موضوع این احکام مسئولیت مدنی می‌باشد. یعنی قواعد مسئولیت مدنی به دنبال جبران خسارات وارده ناشی از تولید یا عرضه محصول معیوب به مصرف‌کننده یا شخص ثالث می‌باشند. اما اگر این عیب ناشی از نقص طراحی باشد آیا باز هم می‌توان با قواعد سنتی به دنبال تحمیل خسارات به عامل زیان بود؟

روشن است که عیب در طراحی گاهی ناشی از عدم اهتمام یا دقت تیم طراح محصول است و گاه ناشی از نقص علمی و فناوریانه در شرایط زمانی و مکانی تیم طراحی می‌باشد. باید خاطر نشان نمود فرض ما در خساراتی است که در زمان تولید نه تنها کسی فکر نمی‌کرده محصول تولیدی موجب زیان گردد بلکه اذعان مراجع علمی با بضاعت موجود، در زمان و مکان تولید محصول، بر صحت و سلامت محصول بوده است. اما بعداً با پیشرفت‌های علمی این مهم محقق و عیان شده که محصول تولیدشده موجبات ضرر و زیانی بر روح یا جسم مصرف‌کنندگان و اشخاص ثالث خواهد بود. به‌منظور تبیین عیب محصول و نقص فناوری به ذکر مثال‌هایی در این باره می‌پردازیم:

یک. در یک دهه قبل در ایران دانش فنی ترمز Abs وجود نداشت و از این رهگذر خسارات زیادی به دارندگان یا استفاده‌کنندگان از اتومبیل‌های بدون این فناوری وارد شد. روشن است اما در کشورهای توسعه‌یافته فناوری ترمز Abs وجود داشت پس شرایط مکانی در ایران موجب شده تا نبود این فناوری باعث خساراتی به اشخاص گردد. باید توجه داشت محصولاتی که تا قبل از اجباری شدن این سیستم ترمز تولید و عرضه شده‌اند را نمی‌توان محصولات معیوب دانست.

دو. تا قبل از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر امکان دسترسی مسافر به کابین هواپیما وجود داشت و این برای هواپیما نقص محسوب نمی‌شد ولی پس از آن تاریخ برای هواپیماهای غول‌پیکر این مسئله نقص تلقی می‌شود.

بنا به مطالب پیش‌گفته، در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از نقص فناوری باید این واقعیت را نیز در نظر داشت که به هر صورت با توجه به پیشرفت علوم و فناوری بشری همیشه در بازه‌های زمانی مختلف محصولات جدیدتر و با طراحی بهتر و ایمن‌تر به بازار عرضه می‌شوند. آیا این بدان معناست که ما باید در هر حالت تیم طراحی را مسئول خسارات وارده به اشخاص ثالث یا کاربران آن‌ها بدانیم. به عبارت دیگر این واقعیت که محصولات و تولیدات بشری به دلیل محدودیت‌های علمی انسان با محدودیت‌های زمانی و مکانی همراه است و به‌مرور زمان این محدودیت‌ها برطرف و محصولات بهتر به بازار عرضه می‌شود باید همیشه به مسئولیت طراحان منتج گردد؟ پس چگونه و با چه منطقی می‌توانیم برای طراحان این قبیل محصولات و تولیدات مسئولیت مدنی قائل شویم؟ آیا اساساً این مسئولیت منطقی است؟

علاوه بر این‌ها، سؤال اساسی این است که خساراتی از این سنخ را با چه قواعدی و از همه مهم‌تر از چه شخص یا اشخاصی می‌توان مطالبه نمود؟ آیا اصولاً این قسم خسارات قابل مطالبه می‌باشند؟ یا اینکه باید ضررهای این‌گونه را به حساب زندگی مدرن و پیشرفت قهری علوم گذارد؟

به‌منظور ارائه پاسخ دو فرض قابل تفکیک است:

فرض نخست جایی است که اساساً علم بشری به یک فناوری فارغ از کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه دست نیافته است برای مثال، فرض بفرمایید در چند دهه

قبل که فناوری ایربگ نه تنها در ایران بلکه در کشورهای پیشرفته نیز در طراحی لحاظ نمی‌شد یا در خصوص ایربگ عابر هنوز فناوری بشر به آن دست نیافته بود. آیا تمام کارخانه‌های تولید خودرو و همین‌طور طراحان آن‌ها در برابر زیان‌های وارده به اشخاص و رانندگان و سرنشینان مسئولیت مدنی دارند؟

فرض دوم در جایی است که علم بشری در کشورهای توسعه‌یافته به فناوری دست یافته است اما در کشورهای در حال توسعه به دلایل محدودیت‌های موجود این فناوری به کارگیری نمی‌شود؛ برای مثال، در خصوص همین ایربگ علی‌رغم دسترسی و اثبات کارایی آن در کشورهای توسعه‌یافته هنوز در طراحی برخی خودروهای داخلی به دلایل محدودیت‌های موجود مکانی در کشور لحاظ نشده و در طراحی جانمایی و پیش‌بینی نمی‌شود. حال آیا تیم طراح و کارخانه‌های سازنده مسئولیت مدنی در برابر خسارات وارده از این منظر در برابر افراد زیان‌دیده دارند؟

به‌طورکلی در خصوص آزمایش نقص فناوری فارغ از مکان جغرافیای خاص، سیستم‌های مختلفی تاکنون اعمال شده است و به‌تدریج در طول زمان کامل‌تر شده است و البته سیستم‌های ارزیابی نقص حسب کشورهای مختلف نیز متفاوت می‌باشد. زمانی برای آزمون نقص فناوری محصول می‌گفتند باید نشان داد آیا محصول، خطر ایراد ضرر غیرعقلانه را سبب شده است یا خیر؟ سیستم بعدی این سؤال را مطرح کرد که آیا فایده محصول صنعتی بیشتر است یا خطرآفرینی ضرری آن؟ اگر نفع آن بیشتر از ضررش تلقی می‌شد، فناوری فاقد نقص دانسته می‌شد. این شیوه اخیر آزمایش نقص، پیچیده‌ترین و جدیدترین شیوه‌های است که رایج شده است. در این شیوه آزمایش که به‌ویژه در مورد نقص طراحی کاربرد دارد، به این نکته توجه می‌شود که آیا طرح جایگزینی در زمان تولید محصول برای جلوگیری از نقص طراحی، قابل تصور بوده است یا خیر؟

در این ارزیابی، به عامل هزینه‌های جانبی بالقوه و هزینه‌های طراحی جایگزین نیز توجه کافی مبذول می‌گردد. با این حساب، چنانچه در زمان تولید وضعیت علوم اجازه طراحی بهتر را ندهد و محصول بر اساس یافته‌های علوم زمان، بد طراحی گردد، این امر نقص محسوب نمی‌گردد (دیانی، ۱۳۸۱، ص ۲۵).

باید دو مطلب را توجه داشت:

اولاً، در هر طراحی به دلیل پیشرفت علوم و فناوری در بستر زمان، امکان طراحی بهتر و دقیق تر وجود دارد اما آن چیزی که باعث مسئولیت مدنی تیم طراحی یا سازنده در برابر زیان‌های وارده به زیان‌دیدگان می‌گردد عدم تطابق مساعی تیم طراحی با بضاعت‌های علمی، فنی، اقتصادی و اجتماعی زمان و مکان طراحی است؛ برای نمونه، عدم تطابق طراحی فنی و فناوری برخی خودروهایی داخلی با بضاعت‌های علمی، فنی، اقتصادی و اجتماعی ایران موجب مسئولیت مدنی کارخانه تولیدکننده و تیم طراحی ناشی از نقص فناوری می‌شود.

ثانیاً، بررسی این قبیل اقدامات در قالب متعارف فعل زیان‌بار نمی‌تواند موجب جبران خسارات وارده و ایجاد عدالت باشد و ضروری است نظام‌های خاص مسئولیت در این باره همانند کشورهای دیگر پیش‌بینی گردد.

۲-۱-۳. رابطه سببیت

سببیت نیز نوعی ملازمه وجودی و عدمی بین دو امری است که ملزوم (مفعول) آن، سبب و لازم (فاعل) آن، مسبب نامیده می‌شود، مانند هنگامی که امین نسبت به مال، تعدی و تفریط می‌کند و ضرری وارد می‌کند امین یا عمل او سبب محسوب می‌شود و ضرر وارده، مسبب است (دراب پور، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷). یا فقها گفته‌اند «لو لاه لما حصل التلف» یا «ما لو لاه لما حصل التلف» (سبحانی، ۱۳۹۱).

گذشت زمان این واقعیت را روشن ساخته است که باید بین دو مفهوم ایجاد یک فعل زیان‌بار صرف نظر از اصابت آن به مصداق خاص از افراد و مفهوم ورود خسارت که به معنای اصابت فعل زیان‌بار به فرد خاص تفاوت قائل شویم.

به‌عنوان نمونه در خصوص صنایع آلاینده که نیاز زندگی ماشینی امروز بوده و ناگزیر از فعالیت آن‌ها هستیم؛ آیا صرف ایجاد یک فعل زیان‌بار فارغ از آتیه که ممکن است این فعل زیان‌بار ضرری را در مصداق خاصی باعث شود، موجب ایجاد مسئولیت می‌باشد یا خیر؟

خسارت وارده به محیط زیست در معنای عام یا در مصادیق جزئی تر آن زیان‌های وارده به اشخاص، موجودات یا اشیا به دلیل آلودگی هوا و محیط به دلایل مختلفی نمی‌تواند با قواعد سنتی در خصوص اثبات رابطه سببیت (قراردادی- قهری) مورد جبران قرار گیرند (انصاری، ۱۳۸۲، ص ۳۴). و به همین منظور می‌طلبند رژیم خاصی برای آن‌ها در مسئولیت مدنی طراحی و مدون گردد که بر اساس مسئولیت مطلق یا توزیع خسارت بر مبنای ایجاد عدالت معاوضی بنا گردد نه قواعد ضمان قهری یا قراردادی. کما اینکه اصلاحات اعمال شده در قانون مسئولیت مدنی فرانسه نیز در خصوص فعالیت‌های خطرناک، خسارات وارده به محیط زیست به پیروی از دستورالعمل جبران و پیشگیری خسارات زیست محیطی مصوب ۲۰۰۴ شورا و مجلس اروپا، مسئولیت نوعی را در خصوص بهره‌بردار این قبیل فعالیت‌ها ترجیح داد (Béteille, 2011, Proposition de loi, n° 657).

از عمده‌ترین این ادله که بیانگر تحول شرایط زمانی و مکانی در خسارات می‌باشد، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

الف. پنهانی بودن این قبیل ضررها

تمامی افراد یا اشیا (شامل درختان، مزارع و آب‌ها) و همین‌طور حیوانات از آنجاکه مستمراً در معرض آلودگی‌های زیست محیطی قرار دارند و از این رو به مانند خسارت‌های دیگر نیست که به واسطه یک فعل زیان‌بار دفعتاً ایجاد گردد. در این قبیل خسارت‌ها ضرر وارده به انسان یا هر موجود دیگر در یک بازه زمانی استمرار دارد و همین استمرار باعث عدم کارایی مقررات مسئولیت مدنی موجود می‌شود؛ برای نمونه، خسارت‌های وارده از حادثه نیروگاه چرونویل حتی بعد از گذشت ده‌ها سال هنوز به صورت دقیق قابل اندازه‌گیری و معین نمودن نمی‌باشد (مشهدی، ۱۳۹۰، ش ۲۵، ص ۴۶).

ب. ضررها صرفاً محدود به نسل فعلی نیست.

در مصادیق خسارت‌های متصور در زمان تصویب مقررات قانون مدنی، عامل زیان و زیان‌دیده کاملاً موجود و در دسترس بود. به عبارت دیگر هم عامل زیان مشخص بود و

هم زیان دیده. اما در خصوص خسارت‌های جدید نظیر ضررهای وارده به محیط زیست، ضرر وارده صرفاً نسل معاصر را در معرض خسارت قرار نمی‌دهد بلکه ممکن است خسارت تا سالیان سال انسان‌ها، اشیاء و حیوانات را در معرض ضرر قرار دهد. به‌عنوان نمونه زیان‌های وارده از حادثه نیروگاه چرنوبیل یا حملات اتمی آمریکا به ژاپن یا زباله‌های هسته‌ای محدود به زمان اتفاق حادثه زیان‌بار نمی‌باشد؛ چراکه تا سالیان متمادی هر فردی را که در این محیط قرار گیرد با آسیب‌های جدی روبه‌رو می‌سازد. یعنی چه بسا افرادی که در زمان حادثه در قید حیات نبوده‌اند اما دچار خسارت و زیان عمده قرار می‌گیرند (Guy Trebulle, 2005).

ج. عدم تعیین میزان دخالت عناصر مختلف دخیل در ضرر وارده با لحاظ قواعد سنتی یکی دیگر از شاخصه‌هایی که موجب الزام قانون‌گذار به وضع قوانین مسئولیت مدنی متناسب می‌باشد عدم امکان تعیین میزان دخالت عوامل زیان‌بار در زیان وارده با توجه به قواعد سنتی می‌باشد (مشهدی، ۱۳۹۰، ش ۲۵، ص ۴۸). به‌دلیل ماهیت این‌گونه خسارات که عموماً پنهانی و در بازه زمانی بلندمدت ایجاد می‌گردند عملاً امکان برقراری رابطه سببیت با عامل زیان حتی در صورتی که بتوان سهم عوامل آلاینده متعدد را شناسایی نمود بسیار سخت و عملاً محال می‌باشد.

فرض نمایید فردی به‌دلیل استنشاق هوای آلوده در یک دهه به بیماری سرطان ریه مبتلا و هزینه‌های زیادی را برای درمان متحمل می‌گردد؟ آیا این فرد می‌تواند با قواعد تسبیب ضمن تعیین میزان دخالت اسباب مختلف، رابطه خسارت وارده و عوامل زیان‌بار را با لحاظ استمرار آن‌ها در یک بازه زمانی حداقل ده ساله اثبات نماید؟

د. گستره فراگیر زیان‌ها و افراد متضرر در مصادیق گذشته فعل زیان‌بار نمی‌توانست به‌گونه‌ای وسیع بر افراد و یا حتی حیات بشری تأثیر نماید اما در مصادیقی مثل آلودگی‌های زیست محیطی گستره زیان وارده از بعد محیطی و افراد زیان‌دیده بسیار متنوع و گسترده است و لذا تمسک به قواعد تسبیب^۳ برای جبران زیان وارده مسیری طولانی و غیر منطبق بر نیازهای امروزی است.

روشن است که این مثال و موارد مشابه متعدد به راحتی تأثیر مقتضیات زمانی و مکانی را بر رکن مهم و کلیدی مسئولیت مدنی تبیین می نماید. برقراری رابطه سببیت با تعریف معمول آن و شناسایی اسباب ورود خسارت در بسیاری از مصادیق ضرر امروزی کاری به غایت دشوار می باشد. و تغییر نگاه های قانون گذار به سمت فرض مسئولیت یا ایجاد مسئولیت های قانونی یا حتی وضع تکالیفی از جنس دریافت زودتر خسارت از عامل زیان مثل مالیات سبز را باید در این راستا ارزیابی و تحلیل نمود (Béteille, 2011, Proposition de loi, n° 657).

در نگاه فقهی نیز استناد به اسبابی نظیر قرعه در تعیین عامل زیان یا تحمیل خسارت به بیت المال به خصوص در خسارات وارده به جسم انسان (دیات) (کلینی، ج ۷، ص ۳۰۲؛ صدوق، ج ۴، ص ۱۱۴)، یا حکم به جبران خسارت و ایجاد مسئولیت بدون وجود رابطه سببیت نظیر غصب و در حکم غصب؛ تمامی نشان دهنده این واقعیت است که در زمان های قبل نیز اقتضائات زمانی و مکانی در برخی موارد مانند اسباب مجمل ورود خسارت باعث حکم به عدول از ارکانی نظیر اثبات رابطه سببیت شده است (مرعشی نجفی، ۱۴۲۵، ص ۱۵۶).

۲-۲-۲. رکن متغیر

رکن متغیر که زاده قرن نوزدهم میلادی است به مانند نام خود فرایند تاریخی طولانی را طی نموده است. بر مبنای تقسیم یکی از اساتید حقوق تقصیر در فرایند تاریخی خود با سه رویکرد روبه رو بوده است (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹). کم رنگ شدن مبنای تقصیر در بسیاری از خسارات نظیر حوادث رانندگی، خسارات وارده به محیط زیست، خسارات ناشی از فعالیت های هسته ای و... و پیش بینی مسئولیت نوعی در این موارد در حقوق فرانسه به عنوان یکی از شاخص ترین نظام های حقوقی اروپایی نشانگر این است که مقتضیات زمان و مکان می تواند نظریه های گذشته را رو به افول برده و منطبق بر نیازهای جدید باعث نظریه پردازی نماید (Catala, 2011, p.48). امروزه دیگر مبنای حقوق مسئولیت مدنی بر ضرر استوار گردیده است. هر جا که ضرری هست باید

حقوق مسئولیت مدنی به دنبال جبران ضرر نیز باشد حال یا در قالب ضمان قهری، قراردادی یا ضمان اجتماعی با مبنای توزیع خسارت.

۳. ایجاد ضمان اجتماعی

۳-۱. مفهوم ضمان اجتماعی

تمدن جدید بشری ضررهایی را به دنبال داشته که مقررات و چارچوب ضمان قهری یا قراردادی نمی‌تواند راهکار موثری برای جبران ضررهای وارده به زیان‌دیدگان باشد. در رویکردهای جدید، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها یا سازمان‌ها یکی از شاخصه‌های ارزیابی و بررسی است (Mercier, 2006, p.83). در نگاه فعلی، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سازمان‌ها فراتر از الزامات قانونی موجود می‌باشد. به این معنا که بیشتر با نگاه ارزشی و اخلاقی تأثیر اجتماعی یک کسب‌وکار بر محیط اجتماعی و منابع زیست محیطی ارزیابی می‌گردد. مسئولیت اجتماعی به معنای پاسخگو بودن یک شرکت یا سازمان یا حتی یک یا چند شخص حقیقی (مانند ضمان عاقله) در برابر زیان‌هایی است که به اجتماع وارد می‌نماید.

مسئولیت اجتماعی به دنبال ایجاد تعهداتی است که هم تصمیم‌گیران توسعه فعالیت‌های اقتصادی در کنار دنبال نمودن منافع اقتصادی و مالی خود منافع و رفاه اجتماع پیرامون خود را نیز دنبال نمایند و هم افراد و اشخاص در برابر جبران زیان افراد دیگر اجتماع خود را مسئول بدانند. و در صورت عدم رعایت آن بتوان ضررهای وارده را به اجتماع و افراد را جبران نمود. وضع تکالیفی نظیر هزینه در سلامت، زیباسازی، بیماران خاص، پرداخت مالیات سبز و... تعهداتی است که ارتباطی به مسئولیت قهری یا قراردادی این بنگاه‌ها ندارد بلکه مسئولیت اجتماعی این تعهدات را بر بنگاه‌ها تحمیل می‌نماید. به عبارت دیگر نگاه این مسئولیت بیشتر به آینده و خسارت‌هایی است که می‌تواند در آتیه برای انسان‌ها ایجاد گردد؛ لذا تعهدات و تکالیفی را وضع و تحمیل می‌نماید (Flour, 2003, p.78).

۲-۳. ویژگی‌های متفاوت ضمان اجتماعی

ضمان اجتماعی در یک نگاه اجمالی چند ویژگی خاص دارد که به همین دلیل وضع نظام خاص مسئولیت مدنی را ضروری می‌نماید:

الف، احکام جبران خسارت در این نظام میان‌سنگی فارغ از وقوع ضرر و تبلور آن در یک مصداق خاص وضع می‌گردد. به عبارت دیگر جبران خسارت حکمی برای ایجاد خساراتی است که به نوع بشر یا محیط پیرامون آن به صورت کلی وارد شده است. ب، نظامات این مسئولیت در کنار جبران خسارت پیشگیری از فعالیت‌های خطرناک و مضر به اجتماع را نیز دنبال می‌نماید.

ج، در بسیاری از مصادیق حاکمیت خسارت با ماهیت تنبیهی یا پیشگیرانه قبل از وقوع خسارت (به معنای اصابت بر یک مصداق خاص) از عامل زیان اخذ می‌گردد. د، مبنای این ضمان در نگاه غربی ارزش‌های زندگی اجتماعی و در نگاه اسلامی اصل مسئول بودن تمامی افراد نسبت به سرنوشت یکدیگر می‌باشد.

۴. تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر شیوه‌های جبران و ارزیابی خسارت

پیدایش مصادیق متنوع ضرر در شاخه ضررهای مادی و معنوی به دنبال گذشت زمان و توسعه تمدن بشری موجب شده تا نتوان جبران خسارت‌های وارده را به شیوه‌های جبران عینی (بازگشت وضع زیان‌دیده به حالت سابق) محدود نمود. از این‌رو نظام‌های حقوقی از جمله حقوق فرانسه سعی در پیشبرد شیوه‌های جبران بدلی^۴، نمادین^۵ و تنبیهی در کنار روش‌های جبران عینی نموده‌اند (Caston, 2010, en www.avocats.fr).

روش‌های بدلی، نمادین یا تنبیهی جبران خسارت به دلیل ناتوانی جبران خسارت به روش عینی ایجاد و توسعه یافته‌اند؛ برای نمونه، در فرضی که یک فرد به صورت غیرقانونی یک حیوان نادر را شکار و که باعث انقراض کلی نسل آن می‌شود آیا امکان جبران خسارت به صورت روش عینی وجود دارد؟

به‌طورکلی در این روش‌ها جبران خسارت به‌عنوان دقیق دنبال نمی‌شود بلکه حسب مورد خسارت قابل ارزیابی محاسبه و مطالبه می‌گردد. یا اینکه اساساً عامل زیان به صورت نمادین مبالغی را در اموری که قانون بیان کرده، بابت خسارت وارده صرف

می‌نماید. کمک‌های تکلیفی کارخانه‌های صنعتی آلاینده به باشگاه‌های ورزشی یا سایر امور مرتبط با سلامتی را باید در این قسم تفسیر نمود.

از همین جا بحث شیوه‌های جدید ارزیابی خسارت وارده به زیان‌دیده در حقوق کشورهای اروپایی و فرانسه مطرح شده است.

یکی از روش‌های ارزیابی، تعیین میزان خسارت بر اساس روش هزینه جایگزینی است؛ به این معنی که هزینه ترمیم آن عنصر زیان داده و بازگرداندن به حالت نخست، معیار عمل قرار گیرد.

راه حل دیگر استفاده از روش سودمندی برای تعیین ارزش واقعی یک عنصر زیست‌محیطی است؛ برای نمونه، افراد برای خرید یک واحد کاشانه در حاشیه بزرگراه نسبت به واحد مسکونی با همان شرایط در مکانی بدون آلودگی صوتی تمایل کمتری دارند و در نتیجه میزان ارزش این نوع آلودگی در تفاوت قیمت این دو کالا نمایان می‌شود. این میزان تفاوت همان خسارتی است که باید توسط عامل زیان جبران گردد.

شایان توجه است هر یک از این روش‌های ارزیابی را می‌توان به میزان حداقلی و یا حداکثری سنجید در روش حداقلی تنها خسارت‌های زیست‌محیطی مستقیم ارزیابی می‌شود در حالی که در روش حداکثری خسارات متعددی همچون عدم نفع از محیط زیست و ... نیز ملاک تقویم خسارت است. معمولاً در خصوص زیان‌هایی که به هیچ نحو امکان بازگشت حداقلی نیز به وضعیت سابق وجود ندارد، مثل از بین بردن حیوان نادر، خسارت وارده با هر روشی محاسبه گردد بی‌تردید حداکثری محاسبه خواهد شد.

۵. تأثیر گذاری بر قواعد اثباتی مسئولیت مدنی (معافیت از اثبات مسئولیت عامل زیان، در دعاوی مشابه)

پرونده قضایی می‌طلبد که قواعد جبران خسارت به گونه‌ای باز تنظیم گردد که تصویر فرایند مطالبه خسارت زیان‌دیده را از طی مسیر مایوس نسازد و بتواند در کمترین زمان و کوتاه‌ترین مسیر به خسارت خود دست یابد.

در حوزه قواعد آیین دادرسی مدنی نیز مباحث جدیدی در خصوص اثبات مسئولیت مدنی مطرح است؛ برای نمونه، در خصوص دعاوی مشابه آیا نمی‌توان افراد

متعدد را از طی یک مسیر قضایی مشابه معاف نمود؟ برای مثال، در پرونده‌هایی که متضررین متعدد (برای مثال، چند هزار زیان‌دیده) تمامی از یک شیوه خسارت دیده‌اند آیا بازهم باید با تاکید بر قواعد فعلی به دنبال ثبت دادخواست‌های متعدد و صرف وقت و هزینه‌های مشابه و زیاد بود یا اینکه می‌توان با رویکرد جدید این قواعد اثباتی را تغییر داد؟

مقررات فعلی قانون آیین دادرسی مدنی^۶ زیان‌دیده‌های متعدد از یک حادثه یا فعل زیان‌بار مشابه را مکلف می‌نماید تا با طرح دعاوی جداگانه هر یک حقوق از دست‌رفته و یا خسارت وارده به خود را با طی مسیر دادرسی و با استناد به ادله اثباتی دنبال نماید. سؤال اینجاست که چه ضرورتی دارد افراد متعددی که به یک شیوه و روش و با فعل واحد زیان‌بار متضرر شده‌اند جداگانه و با صرف هزینه و وقت زیاد مسیر محاکم قضایی و آیین دادرسی مربوطه را بپیمایند تا به نتیجه مطلوب دست یابند. آیا نمی‌توان اگر فردی از افراد زیان‌دیده این بار اثباتی را طی نمود با وضع قوانین ساده‌تری افراد متضرر دیگر را از هزینه وقت و زمان طولانی برای احقاق حقوق خود معاف دانست و حکم را به آنان نیز تسری داد؟ (Werro et Pichonnaz, 2011, p.122).

به‌عنوان نمونه در مصادیقی نظیر پرونده خون‌های آلوده^۷ که تعداد افراد زیادی متضرر از یک موضوع مشابه شده‌اند آیا نمی‌شد افراد متعدد زیان‌دیده هر یک مسیر دادرسی را جداگانه دنبال نمایند؟

یا حادثه مشابه آتش گرفتن پژو ۴۰۵ و خسارات وارده به مالکان آن‌ها آیا این امکان نمی‌بود که مقررات قانونی مسیر مشابهی را برای هر یک از زیان‌دیدگان پیش‌بینی نکند و اگر اصل موضوع اثبات شده باشد مصادیق را معاف از پیمودن مسیر مشابه جداگانه بداند؟

ما بر این باوریم می‌توان با وضع قواعد آیین دادرسی به‌روز امکان این را فراهم نمود که فرد زیان‌دیده بتواند صرفاً با اثبات میزان ضرر از فرایند مشابه پیموده شده توسط افراد دیگر زیان‌دیده احتراز نماید. البته نحوه و مدل جدید این نوع رسیدگی خارج از موضوع این مقاله بوده و صرفاً در اینجا تأثیر این اقتضائات را بیان نمودیم.

جمع بندی

از نگاه کلان تأثیرگذاری اقتضائات زمانی و مکانی بر قواعد و مقررات حقوق مسئولیت مدنی چه قوانین موجد حق مطالبه خسارت و چه قوانین اثباتی به سه قسم است: نخست، اگر خود موضوع در گذر زمان دچار تحول گردد عقلاً تأیید می‌نمایند که احکام مرتبط نیز هماهنگ با تغییر موضوع، تغییر نمایند. در این نگاه چون حکم به تبع موضوع وضع شده است به بداهت عقلی تغییر موضوع تغییر حکم را به دنبال خواهد داشت. این نوع تأثیرگذاری بر موضوعات مسئولیت مدنی در تغییر مبنای مسئولیت مدنی از جبران خسارت به سمت توزیع خسارت نمود داشته است.

دوم، در موارد زیادی مقتضیات زمان و مکان موجد موضوعات جدید است. حاکم در این نگاه یک قانون‌گذار می‌باشد نه یک فقیه که بخواهد حکم را از ادله استنباط نماید. این احکام به خلاف احکام استنباطی از جنس بایدهاست (طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۶۸). مبنای فقهی و قانونی اعمال این اختیار در حکومت اسلامی از دو رویکرد بحث شده است. یکی در قالب فقه نظامات و دیگری احکام ولایی می‌باشد.

در این رویکرد موضوع جدیدی که اساساً در گذشته به دلیل اقتضائات زمانی و مکانی وجود نداشته و تازهی ایجاد شده و قوانین و مقررات جدیدی را که منطبق بر این مسئله باشد، می‌طلبد؛ برای مثال، ایجاد ضمان اجتماعی نظیر ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری و سائط نقلیه موتوری از این زاویه قابل بررسی است.

تفاوت تبیین این نوع تغییر بر مبنای فقه نظامات یا احکام ولایی در موقتی بودن احکام ولایی ظهور می‌یابد. اقتضائات زمانی و مکانی می‌تواند باعث صدور احکام ولایی یا حکومتی گردد. در این نگاه اگرچه تأثیر زمان و مکان صرفاً صدور احکام موقتی در حوزه مسئولیت مدنی است اما بی‌شک تا آن سانی که شرایط صدور حکم ولایی وجود داشته باشد این حکم نیز باقی می‌باشد و این شرایط می‌تواند سالیان متمادی باشد. اما به هر صورت این احکام حکم اولیه نبوده و پس از زوال شرایط خاصی که باعث به وجود آمدن آن‌ها شده منتفی می‌گردند.

سوم، در کنار دو گونه تأثیر پیش گفته گاه، شرایط زمانی و مکانی می‌تواند برداشت یک حقوقدان یا دادرس را از مبانی و ضوابط مسئولیت مدنی متفاوت با

برداشت‌ها در دهه‌های قبلی نماید؛ برای مثال، روزگاری از نگاه حقوقدانان و مردم جامعه کشتن یک گونه حیوان نادر مفهوم و مصادیق ضرر نبود درحالی‌که فهم امروز حقوقدانان و عموم مردم کاملاً در تضاد با آن می‌باشد.

بنا بر مطالب پیش‌گفته و با لحاظ تحول مبنای در ارزش‌های حقوق مسئولیت مدنی و ارزش یافتن جبران خسارت زیان‌دیده و اغماض در برخی مصادیق از تعیین عامل زیان موجب شده تا استناد به قواعد سنتی نتواند نظام جبران خسارت عادلانه و پیشگیرانه‌ای را به دست دهد. از این رو ضروری است قواعد و مقررات ویژه و به‌مانند سیستم‌های حقوقی پیشرفته نظامات خاص مسئولیت مدنی شامل نحوه ایجاد، اثبات، میزان مسئولیت و نحوه جبران خسارت زیان‌دیده پیش‌بینی و اجرایی گردد.

یادداشت‌ها

1. Éléments fixes et variables de la responsabilité civile

2. Pour en savoir plus:

Proposition de loi présentée par le sénateur Monsieur Laurent Béteille au Sénat le 9 juillet 2010 et Rapport d'information des sénateurs MM. Alain ANZIANI et Laurent Béteille

۳. لازم به ذکر است که در تعریف تسبیب میان فقها اختلافات زیادی وجود دارد. برای توضیح بیشتر بنگرید به: نجفی، بی‌تا، ج ۲۷، صفحه ۴۷ به بعد.

4. Réparation par équivalent

5. La réparation par équivalent.

۶. در مقررات فعلی قانون آیین دادرسی مدنی نیز مواردی را می‌توان ذکر نمود که قانون‌گذار از چاقوب این موضوع که حتماً باید دعوا فی مابین خوانده و خواهان مشخص زرح و دنبال گردد فراتر رفته و اجازه داده دعوا علیه خواندگان غیر محصور طرح گردد؛ برای مثال، ماده ۷۴ قانون پیش‌گفته مقرر داشته «در دعاوی راجع به اهالی معین از ده یا شهر یا بخشی از شهر که عده آنها غیر محصور است...»، این مقرر مؤید این مطلب است که می‌توان به فراخور نیازهای اجتماعی مقررات شکلی قانون آیین دادرسی را در راستای تسریع در احقاق عدالت بازتنظیم نمود.

۷. موضوع پرونده فرآورده های خونی آلوده مربوط می‌شود به سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ میلادی که انستیتو مریو فرانسه محصول فاکتورهای انعقادی آلوده به ویروس اچ‌آی‌وی

(HIV) جهت بیماران هموفیلی را به برخی از کشورها مانند آلمان غربی، ایتالیا، آرژانتین، عربستان، عراق، ایران و... صادر کرد و همین مسئله باعث شد تا تعدادی از بیماران هموفیلی و تالاسمی به این ویروس مبتلا شده و جان خود را از دست بدهند.

کتابنامه

- العاملی، شیخ الحر (بی تا)، *وسائل الشیعه*، ج ۲۶، در پایگاه کتابخانه مدرسه فقهت به نشانی: lib.eshia.ir
- انصاری، مهدی (۱۳۸۲)، «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، استاد راهنما دکتر الماسی.
- بحرالعلوم، سید محمد (۱۳۷۹)، «نقبی به دیدگاه‌های سید عبدالاعلی سبزواری»، فصلنامه فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، ش ۲۳.
- بادینی، حسن (۱۳۸۴)، *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵)، *مسئولیت مدنی*، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- بهرامی، حمید (۱۳۸۱)، «جزوه حقوق مسئولیت مدنی»، دانشگاه امام صادق (ع).
- دراب پور، مهرباب (۱۳۸۷)، *مسئولیت‌های خارج از قرارداد*، تهران: مجد، چ ۱.
- دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۱)، «مسئولیت مدنی ناشی از نقص ایمنی اشیای پرنده (مطالعه اجمالی سه سیستم حقوقی آمریکا، اروپا و ایران)»، مجموعه مقالات دومین همایش ایمنی هوانوردی، پژوهشگاه هوافضا.
- سیحانی، جعفر (۱۳۹۱)، «درس خارج فقه، کتاب حدود و تعزیرات»، در پایگاه: www.tohid.ir
- همو (۱۴۱۸)، *البلوغ و تلیه رساله فی تأثیر الزمان و المكان علی استنباط الحکام*، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- السیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۳)، *الاشباه و النظائر فی قواعد فروع فقه شافعیه، الطبعة الاولى*: بیروت: دار الکتب العلمیه.
- طباطبایی، سید محمدصادق (۱۳۸۸)، «مبانی تطبیق‌پذیری قوانین اسلامی با تحولات اجتماعی»، نامه مفید، سال نهم، شماره ۴۰.

فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۷۹)، «زمان و مکان و علم فقه»، مجموعه مقالات کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی (س)، جلد سوم: اجتهاد و زمان و مکان در پایگاه:

www.imam-khomeini.ir

قماش، سعید (۱۳۸۶)، جایگاه عقل در استنباط احکام شرعی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، مسئولیت مدنی (ضمن قهری)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم با تجدیدنظر، دوره دوجلدی.

همو (۱۳۸۸)، «تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی»، فصلنامه حقوق، دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۱، بهار.

گرچی، ابوالقاسم (۱۳۷۹)، «امام خمینی (س) در عرصه فقه و حکومت»، مجموعه مقالات کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی (س)، جلد پنجم: فقیهان زمان و مکان (۱)،

در پایگاه: www.imam-khomeini.ir

مشهدی، علی (۱۳۹۰)، «مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی هوا»، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی (معاونت حقوقی، آموزش و حقوق شهروندی ریاست جمهوری، ش ۲۵).

مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (۱۴۲۵)، قصاص علی الضوء القرآن و السنه، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی، دوره سه‌جلدی.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۹)، «پژوهشی در مبانی تطبیق‌پذیری قوانین اسلامی با تحولات اجتماعی و تقابل آن‌ها»، مجموعه مقالات کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام

خمینی (س)، جلد سوم: اجتهاد و زمان و مکان، در پایگاه: www.imam-khomeini.ir

نجفی، شیخ محمدحسن (بی‌تا)، جواهر الکلام، چاپ سریبی، ج ۲۷.

Arrêt n° 1090 du 1 décembre (2010), (09-13.303) Cour de cassation
Première chambre civile.

Albert.caston (2010), Réparation en nature ou en equivalent en

Béteille, Laurent (2010), sénateur, Proposition de loi n ° 657 du 9 Juillet
2010 portant réforme de la responsabilité civile présentée.

Catala, Pierre (2005), *L'avant-projet de réforme du droit de la
responsabilité*, Paris:

- Catala, Pierre (2011), *L'avant-projet de réforme du droit de la responsabilité*, publié par Manuscrit.
- Cuniberti, Gilles (2010), "French Supreme Court rules on punitive damages", Conflict of laws.net.
- De Woot Philippe (2004), *Responsabilité sociale de l'entreprise : faut-il enchaîner Prométhée?*, éd. Economica.
- Flour, Jacques et Aubert, Jean et Savaux, Eric (2003), *Les obligations: Le fait juridique*, Armand colin.
- Guy Trébulle, François (2005), *Les techniques contentieuses au service de l'environnement Le contentieux civil*, en: www.courdecassation.fr
- Laville, Élisabeth (2005), *L'entreprise verte*, Village Mondial
- Marie, Jean (1988), *La responsabilité fonctionnelle Facteur d'évolution*, Paris, vol. 38.
- Mercier, Jean-Yves (2006), *La responsabilité sociale : prendre position au quotidien*, HR Today.
- Moizan, Antoine (2011), *Master 2 Droit Privé Général Université Paris X Nanterre L introduction des dommages et intérêts punitifs en droit français : un nouveau mélange des genres*, en www.lepetitjuriste.fr
- Werro, Franz et Pichonnaz, Pascal (2011), *le process en responsabilité civile*, Stampfli Editions SA berne.
- <http://www.dictionnaire-juridique.com/definition/dommages-interets.php>
- <http://www.lepetitjuriste.fr/droit-civil/droit-de-la-responsabilite-delictuelle/lintroduction-des-dommages-et-interets-punitifs-en-droit-francais-un-nouveau-melange-des-genres>.
- http://avocats.fr/space/albert.caston/content/reparation-en-nature-ou-en-equivalent--_54A23AB8-8732-44E7-A884-BB3316429F15
- conflictoflaws.net/2010/french-supreme-court-rules-on-punitive-damage